# آژیر

دارنده امتیاز و مدیر مسئول
ح. پیشه‌وری

آژیر روزهای یکشنبه - سه‌شنبه - پنجشنبه منتشر میشود
این روزنامه عضو جبهه آزادی است

• بهای اشتراک •

سالیانه ۱۰۰ ریال
ششماهه ۱۵۰ «
برای کارگران و کشاورزان و معلمان و کارمندان جزء اداره مشمول تخفیف میشود

بهای آگهیها باداره اداره است

بهای اداره: (عنوان جای چاپ شود - جای یک)


## طرح پیشنهادی آقای دکتر مصدق راجع بانتخابات

مجلس شورای ملی

عنوان کلی و صورت قانون انتخابات بانضمام حکومت مملکت تعدیل میگردد از قرار مواد و مشروحه زیر و مواد سابق و قانون ضمیمه زیر در هر جا با عنوان حکومت که اشتباهاً وارد شده و بوده است حذف میشود که وزارت داخله و اصل هفتم قانون اساسی و اصل ۱۷ متمم قانون اساسی و اصل ۱۸ متمم قانون اساسی و اصل ۱۹ متمم قانون اساسی و اصل ۲۰ متمم قانون اساسی و اصل ۲۱ متمم قانون اساسی و اصل ۲۲ متمم قانون اساسی و اصل

# تفسیر اخبار داخله

بقیه از صفحه اول

## انکشاف تفکر و آزادی

مطالبی را که در دوره خفقان بنام جاسوسی و خیانت بمیهن فروشی و امثال آنها بر مردم تحمیل میکردند بر ملا ساخت و بر مردم روشن ساخت که آزادیها و حقوق دموکراتیک و ترقی و تعالی مردم و ملت کوچک ما بدون مبارزه علیه سیاست استعماری و ارتجاعی و خائنانه دست نشانده و

نام اخبار ادوبورگ نویسنده نامی شوروی
از روی وظیفه کار کن ۲

بلیه از شماره قابل

# سرنوشت نسلها

چنانچه بیاریم که دانوز بزرگ مجنون جوانان را به حقوق و عادات خود مجاز اخلاقها ترغیب و تحریص میکرد، و بنام اجبار احوال آنها را مختلف ساخت، ما نمیتوانیم اعتقاد آوریم. هنگامی بزرگ مجنون از روی تنگ و خوش بی‌ثباتی خود نظر افکنیم چیزی بسیاست نمیتوانیم آورد. ما نمیتوانیم حالتهای مختلف را بیان کنیم و بنام اجبار احوال را تغییر دهیم. ما نمیتوانیم بنام اجبار احوال را اصلاحی در عادات بیگانگی از آن تنگی بدهیم. ما نمیتوانیم قانونیت و پایه ثابت را بیان کنیم. ما نمیتوانیم بنام اجبار احوال را تغییر دهیم. ما نمیتوانیم بنام اجبار احوال را تغییر دهیم. ما نمیتوانیم بنام اجبار احوال را تغییر دهیم.

مقدمات جنگ کلی از این پایان با شاعت ام میرسد و بیرون همکن است اینان هیچ را از سنه زمامداری کند. ما نمیتوانیم خلف و بیرون از اخلاق و بیستیم. ما باین جنگ کلی اعتراض کنیم و زود گری بسوی ولایات مختلف ناحیه روز که را برای عنوان مطالب و آماده کرده ایم. ما نمیتوانیم بنام اجبار احوال را تغییر دهیم.

چندی پیش و باید بود و به ساله بود سر بود

در ۶ هورد ۱۹۳۱ در پاریس نشست های فرانسه عام عیبان بود. نشست شش روز بیدار آن مراجعت طریق بسوی خانه های بیگران در بود. در این نمایندگی فرانسه، اسلاف بیگران مجبول بودند. دیگر بین عیبان از ماسوی ما عده‌ای هیچ‌کدام بود. بزرگی بی انتهایی های شوراری و بی‌تسلیم و را چاه فرا داده بودند. و بیگران هنگام سرنوشت فرانسه و

## ترجمه کریم کشاورز – ۵۸ – نگارش جون پریستلی

# تاریکی گرتلی

پریگو بلافاصله بدرق شد که تغییر حال میتواند جیب دو آورده درخش کرده وسیگار خود آتش زده و گفت: «خوب حالی خودم را می‌دادم ولی این دفعه باگذار یکی از دوستانم تدبیر می‌کنم.»

«خوب دوست دارم.» وشنگرگر: «زحمت نکشید میفرمود حال دوبرا تغییر میکنم.»

«مطلب حال مرز دوهن هست. دیانا هنوز ازعادت تصورات خوش واجمع باستقلالی انکار نداری درخواهم عیان سرنوشت بودکه حرف بیا کم کردیم. هنوز لمس شعرانان وحشت اورا را ترک نکرده بود ومن مسرور بودم که دیانا بالتوسط ساده وفنی ازانگلیها پاکین آمدیم دیانا از آسمان توهمات فرود آمده و حس مرا بلافاصله بسته کرده و پریگو وشنگرگر خوب مدد مشغول فی‌ال ساکت بودیم. گرچه گفتنی خیلی داشتیم میدانستیم که ممکن است کسی دیانا تاریکی در اشتباه شروع ما از غاشا باشد. یا بنجه در تمام مدتی که ما آهستگی بسوی‌زمین بودیم حتی صحبتی نکنیم. نیمه شب گذشته بود و اگر گرتلی که هیچ خواب نبود باید کنایم. هوری وجود اعادت گرتلی در مدتی که بیرون بود، ما مدد فار بود وظنانی می‌خریم. و نقطه دایره های نور لوسکور باقاعده ضیف خود راه دیانا روشن میکرد. وشی صدای باد اتومبیل بازی بلند شدوازدر ما هنوز گرد گولی از جهان دیگری سقوط کرده است. باشگر دیگر بیگرتلی آمده که باچندان بسته در میان گرد وآمد و باین خود آشنا میشود.

پریگو از من پرسید که یکجا خواهیم رفت. و من چنین جمع دادم و تصمیم گرفت باشد تا این خودم. ولی آگرمانی تدارک

هیچ مدرایه که واضا من مدارد؟ بیک فروش داشتم ۲۰ من جواب دادم و بدادم. میدانم. من کاملاً به این ازورود واجع به شا تحقیقات کرده.»

پریگو گفت

«من خودم مدارد مدارد کردم. خواهیم بتوبسند کی مشغول شوم. سه‌ماگر کردم که آخر برای مرتبه‌ای باید کاری دوام وقایع گذور پیدا شود. بیرادر ادعاه کردم‌ست آکنتاهای نظامی کار میکند ضیحتم گرد کاوارد خدمت عدد جاسوسی شود. باید اعلان آم کنابودود اما و دارم که دارم بهای بسیار از این کار بیچ می‌آید.»

«خوب‌ما چقدر وارد اداره‌مصوص شده‌اید»

«من داستان‌را بدانیم‌ایرانی گفتم. بعدخواستم‌بهم‌ما چه‌کاری توانسته است باین آسانی وسرعت دیانا اکنون‌را متقاعد سازد که برای بازی ما هم بی‌گناه.

پریگو آن پرسید

«چه دیگر ملاحظه‌ای که اکنون عدل‌ازای برای فشاسالی یک‌پیگرد‌ارد به‌پست؟» من گفتم

«بله. البته بعض از ملاحظاتی را که مایل استعمال میکردند هم‌ازاین‌ولی حالا باید این‌را تغییر داده‌اند این‌امر ما بیاباهت وقت‌ما‌ریخته‌بیشه

اما این قضیه‌لازم نداشتم واشود کم کم‌ازدوخودهای‌ها هستم جز برا رنگ آنقدارای نداشتم‌ازاین‌ما بی‌چیزه‌ام چه‌ما نیز بیشتر بازی می‌کنم.»

پریگو گفت

«ومن نظریه‌ما همین طور عمل کنم. فقط گمان می‌کنم کسی دیگر بیشتر کند که‌مرا خلع بخش می‌دهد ولی ازاین جنبه‌چنانکه‌ملاحظه‌کرده‌اید باید دامی گنده‌دام که‌دارای آن‌ما اقات غریبه می‌شوند. و خواهیم باید کنید که‌خیلی بود کنیم‌که‌ولی می‌بینیم‌که‌خاطرات‌ما‌گفتم گرد‌ما‌هم و سرخاب بالم وپایین حرکات نیز بهیچ‌ما‌ورات‌ورزد.»

«ما واجع بحالت‌ما‌ورات‌ورزد حیچ‌ما‌ورات‌ورزد در لندن بودم.»

من میل داشتم باداره‌پلیس بروم. هنوز اسم پلیس در من اطلاعات عمل دارد و حتی‌ال اعلام‌ام سن سکیت گرد است‌و از دیاره‌باشد در کمه باخواهم کمه واگر هم باشدنا نتوان استفاده خواهم کرد.»

هم حالا دیگر اطلاع حسن اطلاعی ندارد. ولی‌اگر می‌هم سخن‌ام‌را تصدیق کرده و ... یک چکوب واقعه‌ال‌ان‌ام‌را بدانیم رفت.»

«من‌ام‌ام‌ام

## مرغزلت نسلها

بقیه از صفحه سوم

با طوار و صرف وگرن و رکس و فاشیست های متواتر گذشته و تازه بوده و هست.

حمله متفقین و سوهر شوروا آنان مکمله و خواهد بود که بالاخره مرغزلت نسلها را نابود خواهد کرد. همه ملتها و ادوار و پرسنلان ایشان ناشد . تاریخ قرن آیان ملاک استوارست . ناهمیتهای تمام جهان دلسان خوبی ترقی و خوشان هم آزادی عمارت و دشمنی بشری آنها شروع میشد .

بیل وزیر دارا گسترش شرف مدعی دفع ملاکین کاپرای آنها را بدست ملاکین ما فاشیم و تعدد دارد میگوید که تلاوت مسلها شمار و اسلحه های اسپانیائی و غیره برای اسلحه کیرد ؟ زیرا مارگرد آنها این عاوا منتخب میباشد . مارگرد و مدانی کیرد ؟ و تلاقات کیرد ؟ که موفقیتهای اورا کسب کرده . اعلاع دارد . البته این شکایان طرح های مارگرد آنها را از کو در اسپانیا کاملا لاین کرده و مهاجر کرده . ولی وقتی برنامج و کوشش گفته میشود باید آیوان را در فروش کرد . کوتاهی که مدین چنگ چیلی در قرن شانزدهم اسلای روماری ها تاسیس کرد بیش نیست مانند که اسپانیا آنوان قرطاجنه ماند و اشد شد . آنوان قرطاجنه که با صورات نظامی و اسلحه کیرد ؟ دارد خوش کرده و زنده کی میکردند تمام فرستند و باز اسپانیا نیاز بسلاح و اسلحه سخت آزاد و بیکنند ؟ اینرا بعلت مشارزی آلمانی و ملائی باشد و خود تجارز آغاز کنند .

فاشیست های کشورهای مختلف علیه ملت ما اینکه گوشه نمی خورد ، دانند . فاشیست های فرانسه و یا کردان عمری عناصر پیشوا به چون خوش خلاف خود روز به بیش از جنگ جهانی شانست ها و بنه فاشیست های اروپا چشم از دور و دور ( چشم ) و دوچ ( موسولینی ) بی بهره اند آروزی روزی را میکردند که تجارت را و آنها را گاهان تاریخی کنند .

مارسل دآی فرانسوی در روزهای اعلاء مناوه خود نوشتم و جنگو انوار ها سخته کرده و دوباره آنها را بسلاح و برای اختیار آن کنون تیر بیکیکنند . همینک عناصر بلشستان حمله کرد . و روابط مارسل دآی فرانسوی بر بودنی بود کرده ، و سل دآور آن مرغی خود را « سوسیالیست بی سوسیالیسم » نامیده اند .

از یک دانه سوسیالیست فرانسوی تا ترکیه دانیم میگرد ؟ آنکه مینیستر . جناز وزارت گسانیکه فاشیست های فرانسه حمله میکنند . فاشیست های فرانسه را فراموش می کنند . دوستان ۱۹۳۶ (اسپانیا) بروزی فرانسه بیش از کمتنس میترسید که متاسفانه در اروپای پیش از ۱۹۰۰ یک ایدیلزی جدید بی دوم هاست که تیپ فرانسه را جمع کند و در میان بی وابسته های آن دو میان بی وابسته های آن دو میان بی وابسته های آن دو